

نگاهی به فیلمسازی کیمیایی و «خون شد»
خون به دل طرفداران



در گفت و گو با برزو نیک نژاد
 کارگردان فیلم «دوزیست» مطرح شد
**جبر اجتماعی و قصه
 دوزیست شدن آدم‌ها**



نوید محمودی کارگردان «مردن در آب مطهر»
 در گفت و گو با «فرهیختگان»:
**فیلم‌هایم دور از زندگی
 واقعی نیست**



نگاهی به فیلم «دوزیست»
**ضعف سیستماتیک یک
 نقد اجتماعی درست**



«خون شد» ساخته مسعود کیمیایی در جشنواره فجر سی و هشتم یک پیام
 بیشتر ندارد: کارگردان با سابقه ایران به پایان خطر رسیده است

تمام شد

تکه پاره‌های گذشته و اکنون

نظر می‌رسد. به خصوص که در اینجا اصراری برای توقف روند داستان و معطوف کردن انرژی فیلم به صدور مانیفست‌های اخلاقی در نکوهش ثروت‌اندوزی و فرصت‌طلبی رجاله‌های نوکیسه وجود ندارد و رویکرد محوری فیلم این نیست که به رانت و اختلاس و نوکیسگی و دلالتی طعنه بزنند. در خون شد کیمیایی حرف خودش را می‌زند و شخصیت‌های آشنایش را در جهانی که خود با ۶ گوشه‌اش آشناست، می‌چیند. خون‌شد، تجدید خاطرهایست با جهان آشنای «قیصر» و «رضا منوری»، و جابه‌جا در مسیر شکل‌گیری و تکامل داستان، به آن فیلم‌ها رجوع می‌دهد و تصویرهای قدیمی را بازمی‌سازد. همه فیلم‌های آشنایی که به مثابه شناسه‌های امضایی سینمای کیمیایی باز شناخته می‌شوند، در این فیلم تجسمی دوباره پیدا کرده‌اند؛ از بازارچه تا پهلوان خانه‌نشین و از دختری که بعد از تجاوز سر به نیست شده تا حمام عمومی، و البته اعتیاد و خشونت و فضای مخوف وقت‌گذرانی مردهایی با خنجرهای غلاف‌شده و عواطف مرده. مفاهیم بنیادی فیلم همان چیزهایی است که از فیلمی با امضای مسعود کیمیایی انتظار می‌رود. خشونت و فریب‌داری اخلاقی جامعه در شرایطی که قهرمان هایش به جنون یا استیصال رسیده‌اند و آدم‌های شرورش جاقوه‌دست در کوچه‌بازار جولان می‌دهند. خانواده یک نهاد ورشکسته و تمام‌شده است و آخرین نشانه‌های معصومیت در قالب دختری که سرنوشتش با تعرض و قتل رقم می‌خورد، بر باد رفته است. در همان نمای افتتاحیه، که سایه لرزان قهرمان روی دیوار و کرکره مغازه‌های تعطیل می‌افتد و بازارچه در سایه‌های شب قاب گرفته می‌شود، معلوم است که با جهانی مرده و تاریک مواجهیم که دیگر هیچ قیصری نمی‌تواند

تجربه تماشاگر فیلمی از مسعود کیمیایی، تجربه‌ای منحصر به فرد است. ربطی به کیفیت فیلم ندارد. خوب یا بد، فیلمی که کیمیایی ساخته باشد رنگ‌بویی از جهان اختصاصی او دارد که از نیم قرن حوادث اجتماعی و احساسات و دریافت‌های فردی ریشه می‌گیرد. «خون شد» هم مثل همه فیلم‌های دیگر کیمیایی، یادست کم اغلب فیلم‌هایش، نماینده نگرش کارگردان به جهان و مفاهیم پیرامونش است و برداشت او از عشق و رفاقت و مسئولیت و عواطف انسانی را بازتاب می‌دهد. به دلیل همین اصالت در سرچشمه فکری و عقیدتی فیلم است که فارغ از ارزش سینمایی و کیفیت فیلم، خون شد تجربه تماشاگرانه فیلمی از مسعود کیمیایی را مکرر می‌کند و برای دوستدارانش ادامه یک سنت ۵۰ ساله است که فیلم‌های او دوران به دوران تداوم یافته است. کیمیایی خون شد را با همان ذهنیت و عاطفه‌ای ساخته که سال‌ها پیش «قیصر» و «غزل» و «رد پای گرگ» را ساخته بود. چارچوب کلی فکر کارگردان در گذر از تلاطم دوران تغییرگری نکرده و همچنان بر همان پایه‌استاده که ۵۰ سال تکیه‌گاه پیش‌هنری و نگرش اجتماعی و تاریخی‌اش بوده است. فیلم بدون توجه به مدها و جریان‌های سینمایی، راه خودش را می‌رود و مثل «قاتل اهلی» داعیه‌دار حرف روز نیست. شاید به همین دلیل جفت‌ویست فیلم محکم‌تر از ساخته قبلی کارگردان به

دوره‌ات گذشته آقای کیمیایی

تا این دست جا بیفتد. در صورتی که مخاطب می‌داند در دهه ۹۰ پزشک متخصص وجود دارد و خیلی راحت‌تر این اتفاق می‌افتد. جنس یک‌سری از سکانس‌ها در فیلم نه به مسعود کیمیایی می‌خورد و نه به ساختار این فیلمنامه. در سکانسی در وسط تیمارستان گروهی را می‌بینیم که در حال ساز زدن و رقصیدن هستند، در فیلمی که ریتم کند دارد به یک‌باره فیلم ریتم تند پیدا می‌کند و مخاطب گیج می‌شود که چرا باید این سکانس در فیلم باشد یا اینکه در سکانس پایانی فیلم وسط جاقوه‌هایی که بالا و پایین می‌روند یک بچه‌ای دستشویی دارد و مادرش اصرار دارد که در همانجا این اتفاق بیفتد. در همان سکانس پایانی که همه در حال فروختن خانه و زندگی‌شان هستند، دوفر در حال ساز زدن هستند و باز هم مخاطب متوجه نمی‌شود که چرا باید در مقابل آن بنگاه معاملات ملکی بایستند و ساز بزنند! اینها همه اتفاقات غیر معمولی است که مخاطب با خودش می‌گوید چرا باید در این فیلم بیفتد. شاید بگوییم مسعود کیمیایی اینجا می‌خواهد یک شاعرانگی را به فیلمش اضافه کند، در صورتی که اصلا به جنس این فیلم نمی‌خورد. در همان سکانس پایانی صحنه‌ها کاملاً آگزرجه و سوررئال می‌شود؛ در حالی که همه روند فیلم در بستر قصه‌ای روال است. نکته بعدی در مورد دیالوگ‌های این فیلم سینمایی است. دیالوگ‌هایی که جنس و زمانه آن دیگر جنس و زمانه ما نیست. دیالوگ‌هایی که برای قیصر کاربرد داشته اما برای فیلمی در دهه ۹۰ به هیچ وجه کاربرد ندارد و شما نمی‌توانید با آن همذات‌پنداری کنید. با همه این احوال، از این هم نباید بگذریم که فیلم یک نکته مثبت دارد که البته این نکته مثبت هم با توجه به نوع ساخت و ساختار فیلمنامه از بین رفته است. حرف فیلم این است که ما حاضریم خون بدهیم اما خانه و خانواده را حفظ کرده و آنها را دور هم جمع کنیم. این مساله اگر در یک ساخت فرم و محتوای بهتری اتفاق می‌افتاد آدم می‌توانست به آن امیدوار باشد ولی فیلم آنقدر ضعف دارد و ضعیف است که حتی این شعار اصلی فیلم را هم مورد خدشه قرار داده است.

اگر فرانک کاپرا بود در سال ۲۰۲۰ فیلم «زندگی شگفت‌انگیز است» را بسازد، قطعاً آن فرانک کاپرای نبود که ما می‌شناختیم. اگر آلفرد هیچ‌کاک در روزگار ما قرار بود فیلم «روانی» را بسازد، دیگر هیچ لذتی از دیدن این فیلم نمی‌بردیم. کارگردان‌ها فرزند زمانه خودشان هستند و اگر قرار باشد از زمانه خود عقب‌مانند قطعاً دیگر آن فیلمی را که مورد نظر و پسند مخاطب باشد، نمی‌توانند بسازند. مسعود کیمیایی هم از این قاعده مستثنی نیست. کیمیایی که با «قیصر» و خیلی از فیلم‌های دیگرش برای ما یک کارگردان صاحب‌سبک و بزرگ است؛ اگر قرار باشد در دهه ۹۰ هم همچنان با ساختار «قیصر» دهه ۵۰، فیلمش را جلو ببرد، قطعاً فیلم موفق نخواهد ساخت. کاری که کیمیایی در «خون شد» انجام می‌دهد نه تنها تکرار ساخت فیلمش از دهه ۵۰ تا دهه ۹۰ است بلکه پسرفت این ساخت است. قطعاً ما از دیدن «قیصر» که محصول ۴۰ سال پیش است لذت بیشتری می‌بریم تا فیلم «خون شد». چرا که نه تنها آن ساخت را رشد نداده بلکه با همان ساختار دهه ۵۰ روند پسرفتی را اعلام کرده است. قصه «خون شد» در مرحله اول مورد نقد و نظر است. مخاطب نمی‌داند چرا این خانواده از هم پاشیده هستند؟ چرا این خانواده از هم جدا شده‌اند و هر یک از اعضای این خانواده بطور از هم جدا شده‌اند و به طور اخصی قهرمان داستان که قرار است دوباره خانواده را دور هم جمع کند. نکته بعدی، اتفاقاتی است که در فیلم می‌افتد و در دهه ۹۰ آن اتفاقات برای مخاطب خنده‌دار است. سکانس جانداختن دست پدر خانواده که در یک حالت خیلی غیرمعتاد، دستش را به چرخ اسب می‌بندد، اسب حرکت می‌کند

میکائیل دبانی

روزنامه‌نگار



۳ قاب از فجر سی و هشتم
 در پردیس چارسو

برنامه پخش فیلم‌های سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر در سینمای رسانه‌ها و هنرمندان

سینما	فیلم‌ها به ترتیب سانس	سینما
پردیس ملت	شهرآورد تهران	کشتار گاه به کارگردانی عباس امینی - ساعت ۱۳:۳۰
پردیس چارسو	عامه پسند به کارگردانی سهیل بیرقی - ساعت ۱۹	مردن در آب مطهر به کارگردانی نوید محمودی - ساعت ۱۹:۳۰
		خورشید به کارگردانی مجید مجیدی - ساعت ۲۱:۳۰